

رابطه قدرت ایگو و مسئولیت پذیری با میانجیگری شفقت به خود در دانش آموزان دوره متوسطه دوم

مهناز بهمنش^۱ © دکتر اصغر جعفری^۲

چکیده:

مسئولیت پذیری به منزله یک ویژگی شخصیتی در چارچوب یک نگرش انسجام یافته در ساختار روانی و رفتاری شکل می گیرد و تحت تأثیر عوامل شناختی، عاطفی و رفتاری است. مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه قدرت ایگو و مسئولیت پذیری با میانجیگری شفقت به خود در دانش آموزان دوره متوسطه دوم انجام شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. شرکت کنندگان، دانش آموزان دوره متوسطه دوم منطقه یک شهر تهران بودند. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای ۳۷۰ شرکت کننده انتخاب شدند و در زمانی مناسب پرسشنامه های قدرت ایگو (مارک استروم و همکاران، ۱۹۹۷)، شفقت خود (نف، ۲۰۰۳) و مسئولیت پذیری کالیفرنیا (هریسون، ۱۹۸۷) را تکمیل کردند. داده ها با به کارگیری ضریب همبستگی پیرسون و مدل یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج نشان داد که توانمندی ایگو و شفقت خود با مسئولیت پذیری همبستگی مثبت و معنادار دارند ($P < 0/01$). نتایج مدل یابی معادلات ساختاری نشان داد که شفقت خود در رابطه قدرت ایگو و مسئولیت پذیری دانش آموزان دوره متوسطه دوم نقش میانجی دارد ($P < 0/01$). بنابراین نتایج شواهدی را نشان می دهد که قدرت ایگو از طریق کاهش تعارضات درونی و متعادل سازی سازمان روانی، مسئولیت پذیری دانش آموزان را افزایش می دهد و از آنجایی که شفقت خود به تحول و بهبود خود کمک می کند، تأثیرگذاری قدرت ایگو را روی مسئولیت پذیری افزایش می دهد. لذا به منظور ارتقای مسئولیت پذیری دانش آموزان پیشنهاد می شود علاوه بر توجه به قدرت ایگو، به شفقت خود هم توجه شود و با به کارگیری مداخلات روانی - آموزشی، زمینه افزایش شفقت خود در دانش آموزان فراهم شود.

کلید واژگان: توانمندی ایگو، مسئولیت پذیری، شفقت به خود، دانش آموزان

☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۱

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۳۰

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۲. دانشیار گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول). Email: a.jafari@kashanu.ac.ir

مقدمه

با توجه به نظریه گلاسر یکی از عواملی که رفتار نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مسئولیت‌پذیری آنان نسبت به رفتارها و عواطف خودشان است. مسئولیت‌پذیری یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش انسجام‌یافته در ساختار روانی فرد شکل می‌گیرد و یک عامل اساسی و تأثیرگذار در ابعاد عاطفی و رفتارهای اجتماعی به شمار می‌آید. مسئولیت‌پذیری می‌تواند یک ویژگی کارآمدی برای ثبات عاطفی و انسجام اجتماعی و در عین حال احترام به تفاوت‌های موجود میان افراد و فهم آنها باشد (وود^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

مسئولیت‌پذیری یک ویژگی شخصیتی تقریباً پایدار میان - فردی و درون - فردی است و به معنای وظیفه‌شناسی، عمل بر اساس مقررات، قابلیت اعتماد و باور به تسلط عقل و منطق در زندگی است. گرچه مسئولیت با مردم‌آمیزی و خویش‌ن داری همبستگی دارد، اما تأکید آن بر توجه به ارزشها و کنترل‌هاست که نقش اساسی در زندگی افراد دارند. این افراد، پیامد رفتار خود را می‌پذیرند و قابل اعتمادند، نسبت به ساختار اجتماعی بزرگ‌تر، احساس تعهد می‌کنند، درست‌کارند و به عهد خود وفا می‌کنند (چنگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). از نظر کریمی (۱۳۸۷) مسئولیت‌پذیری دارای پنج مؤلفه خودمدیریتی، قانونمندی، نظم‌پذیری، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی است. این ویژگی‌ها در چارچوب سازمان‌یافتگی و انسجام در شخصیت شکل می‌گیرند (شافر و کیپ^۳، ۲۰۱۱).

در دانش‌آموزان باید حس تعهد، مسئولیت‌پذیری، تکلیف‌الهی، پاسخگو بودن و وجدان فردی ایجاد شود و پرورش یابد تا نوجوانان و جوانان بتوانند کیفیت‌ها و ظرفیت‌های ایجاد شده را با هم هماهنگ و تعهدات گروهی را پایه‌گذاری کنند و در نهایت به تعهد اجتماعی دست یابند. رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان را می‌توان در ابعاد مختلف: ۱. مدرسه، ۲. خانواده و ۳. جامعه مورد ارزیابی قرار داد (نلسون و بیانکو^۴، ۲۰۱۳). یکی از عواملی که در مسئولیت‌پذیری نوجوانان نقش دارد، بعد خود یا ایگو شخصیت آنان است که در فرایند تحول روانی در دوره نوجوانی، پایه‌های اولیه شکل‌گیری آن در خانواده شروع می‌شود. از نظر فروید شخصیت انسان دارای سه ساختار: نهاد^۵، خود^۶ و فراخود^۷ است. خود یا ایگو که دومین ساختار شخصیت در نظریه فروید است، بر اثر نیروهای موجود در نهاد به وجود می‌آید (سیرانکا^۸ و همکاران، ۲۰۱۸). قدرت ایگو توانمندی فرد برای برخورد مؤثر با خواسته‌های رقابت‌آمیز و موقعیتهای توان‌فرساست که برای عملکرد مؤثر به رغم خواسته‌ها و توقعات

1. Wood
2. Cheng
3. Shaffer & Kipp
4. Nelson & Bianco
5. Id
6. Ego
7. Super ego
8. Cyranka

نیروهای متعارض به کار می‌رود. از این رو، وجود یک ایگوی توانمند موجب می‌شود که فرد کمتر دچار آسیب روانی شود و در برابر تنش ناشی از شرایط فشارزای زندگی، تحمل و ظرفیت کافی داشته باشند. ضعف ایگو موجب می‌شود که ارگانیسم از دنیای بیرونی به دنیای درونی برگردد و از خودش عقب‌نشینی کند (کوچکی و همکاران، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر، وقتی که ایگو قادر به ایجاد تعادل کارکردی نباشد، فرد کمتر نسبت به رفتارها و عملکرد خود احساس مسئولیت‌پذیری می‌کند، به‌طوری که شخصیت فرد درگیر اختلال می‌شود. در حالی که نیرومندی ایگو سبب فعال شدن ساز و کارهایی‌هایی در ذهن فرد می‌شود که تعارضهای درون روانی را کاهش می‌دهد و در نتیجه بر زندگی تحصیلی و شغلی او تأثیر می‌گذارد (سگرستروم و اسمیت^۱، ۲۰۱۹).

همچنین درباره قدرت ایگو، جفلنر و کوردوبا^۲ (۲۰۱۷) معتقدند که توانمندی خود توانایی انطباق با خواسته‌های محیط بیرونی و سازگاری با خواسته‌های درونی است. توانمندی خود همچنین توانایی اشخاص را برای سازگاری با خواسته‌های مشکل‌ساز محیطی افزایش می‌دهد. از نظر روان‌شناسان، تلاش‌های خود برای سازندگی، شایستگی و تسلط پس از هشت سال اول زندگی ادامه می‌یابد. ناتوانی فرد در پروراندن فرایندهای خود، مانند قضاوت و استدلال اخلاقی به تشبیه‌های اولیه جنسی، پرخاشگری و آسیب‌روانی می‌انجامد. از این رو افرادی که خود تحول‌ناایافته‌ای دارند، برای سازش با واقعیت آمادگی ندارند و حس مسئولیت‌پذیری کمی در قبال محیط زندگی خود دارند. قدرت ایگو نشان‌دهنده ظرفیت فرد در تحمل مشکلات بدون تجربه اضطراب و درک روابط میان - فردی و پاسخ مؤثر به دیگران است. قدرت ایگو به فرد کمک می‌کند که به تعادل عاطفی برسد و با درک و پذیرش خود و برقراری روابط همدلانه با دیگران حس مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشد (ملندز^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). از آنجایی که ایگو وظیفه مدیریت سیستم روانی را عهده دار است، بیشتر مشکلات روانی - اجتماعی زمانی ظاهر می‌شوند که ایگو نتواند به خوبی به مسئولیت‌هایش عمل کند. تجربه آزادانه عواطف، انتخاب و پذیرش مسئولیت در قبال خود و دیگران در گرو توانمندی ایگوست که در چارچوب روابط خانوادگی و در راستای کیفیت ارضای نیازهای عاطفی در فرایند تحول روانی شکل می‌گیرد (لی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). عامل دیگری که در فرایند تحول روانی فرد شکل می‌گیرد و به نظر می‌رسد ناشی از تأثیر توانمندی ایگو باشد، شفقت به خود^۵ است. شفقت به خود، مراقبت از خود در رویارویی با سختیها یا نارساییهای ادراک شده است. بالا بودن شفقت به خود با بهزیستی روان‌شناختی همراه است و از فرد در مقابل استرس حمایت می‌کند. شفقت به خود شامل مهربانی با خود در مقابل قضاوت و انتقاد از خود، ارتباطات انسانی در برابر انزوا و ذهن‌آگاهی در برابر همانندسازی بیش از حد با دیگران است. تعامل این مؤلفه‌ها،

1. Segerstrom & Smith
2. Gfeller & Cordoba
3. Meléndez
4. Lee
5. Self-compassion

خودشفقتی را در ذهن فرد شکل می‌دهد (نف^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). خودشفقتی موجب احساس مراقبت نسبت به خود، خودآگاهی، نگرش بدون داوری نسبت به نابسندگی و شکستهای خود و پذیرش تجارب خود در حکم بخشی از تجارب معمول بشری می‌شود. در واقع شفقت به خود، پذیرش این نکته است که رنج، شکست و نابسندگی بخشی از شرایط زندگی است و همه انسانها مستحق مهربانی و شفقت‌اند. مهارت شفقت به خود به پذیرش غیرقضاوتی و غیر واکنشی همه تجارب و نتایج روان‌شناختی مثبت می‌انجامد و کمک می‌کند تا افراد با مشاهده تجارب ناخوشایند به شیوه‌ای غیرقضاوتی، عاطفه منفی خود را کنترل کنند (گیلبرت^۲، ۲۰۱۴). نوجوانان دارای حس خودشفقتی بالاتر، در رویارویی با استرسهای محیطی پاسخهای فیزیولوژیکی کمتری نشان می‌دهند و بهزیستی روان‌شناختی بالاتری دارند. از این رو، ویژگی شفقت به خود می‌تواند سبب بروز رفتارهای مناسب‌تر و واکنشهای سازگارانه‌تر نوجوانان در برابر استرس شود. این گروه از نوجوانان در تعاملات اجتماعی، رفتارهایی مناسب‌تر، سازش‌یافته‌تر و مسئولانه‌تر از خود نشان می‌دهند (بلوث^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین سازه شفقت به خود با سبکهای مقابله و تنظیم هیجان مرتبط است. افراد از طریق تنظیم هیجانها و با منحرف کردن توجه خود از هیجانهای منفی، شدت و دوام استرس را کاهش می‌دهند و به حالت‌های مهربانی با خود بر می‌گردند و تلاش می‌کنند خود را مسئول و پاسخگوی رفتارهای خود بدانند (فینلی-جونز^۴ و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع شفقت به خود یک پیش‌بین قوی برای سلامت روانی است و رفتارهای بزهکارانه را کاهش می‌دهد (نف و همکاران، ۲۰۰۷). شفقت به خود یعنی داشتن موضع مثبت نسبت به خود هنگامی که همه چیز بد پیش می‌رود. در چنین شرایطی خودشفقتی به‌مثابه یک عامل محافظ مؤثر در پرورش انعطاف‌پذیری عاطفی عمل می‌کند (نف، ۲۰۰۹). بر این اساس خسروی و همکاران (۱۳۹۲) اعتقاد دارند افراد دارای شفقت‌ورزی پایین، بیشتر دچار خودناتوان‌سازی می‌شوند، از ساز و کارهای دفاعی رشد نیافته استفاده می‌کنند، واقعیت را نادیده می‌گیرند، مسئولیت‌پذیر نیستند و شکست و اتفاقات ناخوشایند را به امور بیرونی نسبت می‌دهند. با توجه به اینکه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر رفتار مسئولانه آنها است، برای کسب عملکرد تحصیلی مطلوب و داشتن یک زندگی فردی و اجتماعی مناسب و سالم به سطحی مطلوب از مسئولیت‌پذیری نیاز دارند (اوریلی^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو، تغییر از حالت وابستگی دوران کودکی به استقلال و پذیرش مسئولیت برای نوجوانان، چالشی بزرگ به‌شمار می‌رود که در این میان برخورد والدین در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ تأثیرگذار است (مندونسا و فونتین^۶، ۲۰۱۴). با توجه به نقش مسئولیت‌پذیری در سلامت روانی و سازگاری اجتماعی

1. Neff

2. Gilbert

3. Bluth

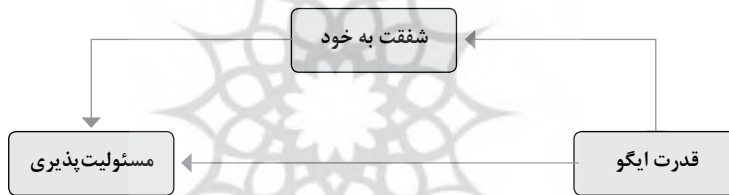
4. Finlay-Jones

5. Oreilly

6. Mendonça & Fontaine

نوجوانان (تنگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱) و همچنین نقش قدرت ایگو که در تشخیص‌گذاریهای بالینی، عاملی تعیین‌کننده و حتی گاهی نیز شاخص سازگاری روان‌شناختی عمومی و پیش‌بینی‌کننده چگونگی کارکرد افراد در رویارویی با عوامل استرس‌زای محیطی است، انجام این پژوهش ضرورت یافته است. همچنین مطالعه تأثیر غیرمستقیم شفقت به خود در رابطه قدرت ایگو و مسئولیت‌پذیری می‌تواند رهنمودهایی ارائه کند که رابطه قدرت ایگو و مسئولیت‌پذیری نوجوانان عمیق‌تر تبیین شود و در راستای افزایش سطح مسئولیت‌پذیری نوجوانان به وسیله مداخلات روانی - آموزشی مرتبط با مقوله شفقت به خود، می‌توان تأثیر قدرت ایگو را بیشتر کارآمدسازی کرد. از این رو نگرانی درباره پیامدهای ناشی از عدم مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، ضرورت انجام پژوهش حاضر را ایجاد می‌کند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه قدرت ایگو و مسئولیت‌پذیری با میانجیگری شفقت به خود در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم انجام شده است. برای دستیابی به این هدف، فرضیه زیر بررسی شده است:

- شفقت خود در رابطه قدرت ایگو و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم نقش میانجی دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. شرکت‌کنندگان، دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم منطقه یک شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بودند که تعدادشان حدود ۱۷۵۰۰ نفر بود. با توجه به جدول کرجسی و مورگان درباره حجم نمونه، ۳۷۰ شرکت‌کننده به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا سه مدرسه به‌طور تصادفی انتخاب، سپس از این مدارس ۱۵ کلاس انتخاب شد که تعداد دانش‌آموزان این کلاسها ۳۷۰ نفر بودند. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، اهداف پژوهش، محرمانه بودن نتایج پژوهش و الزامی نبودن ثبت اطلاعات در پرسشنامه‌ها برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و از آنان خواسته شد که با رضایت به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. ملاکهای ورود به پژوهش شامل تحصیل در دوره متوسطه دوم، داشتن رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و عدم اعتیاد والدین و طلاق نگرفتن والدین که بر حسب اطلاعات دانش‌آموزان

1. Teng

در پرونده آنان در مدرسه کنترل شد. معیارهای خروج نیز شامل داشتن بیماری جسمانی یا اختلال روانی، از خانواده طلاق یا اعتیاد بودن و عدم همکاری در تکمیل کردن پرسشنامه‌ها بود. در نهایت داده‌های مربوط به ۳۷۰ شرکت‌کننده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS-19 و AMOS تحلیل شدند.

◎ ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه روان‌شناختی قدرت ایگو: این پرسشنامه را مارک‌استروم^۱ و همکاران (۱۹۹۷) ساخته‌اند و دارای ۶۴ سؤال و هشت نقطه قدرت ایگو است که امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد را می‌سنجد. نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای به‌صورت کاملاً با من مطابق است نمره ۵، کمی با من مطابق است نمره ۴، نظری ندارم نمره ۳، کمی با من مطابق نیست نمره ۲ و اصلاً با من مطابق نیست نمره ۱ است. بالاترین نمره ۳۰۰ و پایین‌ترین نمره ۶۰ است. نمره بالا در این آزمون به معنای قدرت ایگوی بالاتر است که از حاصل جمع نمره فرد در سؤالات به‌دست می‌آید. روایی صوری، محتوا و سازه این پرسشنامه تأیید شده است. همبستگی این پرسشنامه با مقیاس نیرومندی منش پیترسون و سلیگمن (۱۹۹۵) ۰/۶۷ گزارش شده که نشان‌دهنده روایی سازه مطلوبی است. همچنین ضریب پایایی آن را به‌روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ گزارش کردند (مارک‌استروم و همکاران، ۱۹۹۷). الطافی شیرمرد (۱۳۸۸) نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه را روی نمونه‌های ایرانی ۰/۹۱ ضریب پایایی به‌روش دو نیمه‌سازی ۰/۸۷ گزارش کرده است. همچنین پایایی این پرسشنامه به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۶۴ به‌دست آمده است (پرویز و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر به‌روش آلفای کرونباخ ضریب اعتبار ۰/۸۳ برای آن به‌دست آمده است.

۲. مقیاس شفقت به خود: این مقیاس را نف (۲۰۰۳) طراحی کرده است. ۲۶ گویه و ۶ خرده‌مقیاس مهربانی با خود (۵ گویه)، قضاوت درمورد خود (۵ گویه)، مشترکات انسانی (۴ گویه)، انزوا (۴ گویه)، بهوشیاری (۴ گویه) و فزون‌هماندسازی (۴ گویه) دارد. میانگین نمرات شش مؤلفه با هم جمع و یک نمره کلی شفقت به خود حاصل می‌شود. نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت از کاملاً مخالف (نمره ۱) تا کاملاً موافق (نمره ۵) است. دامنه نمره‌ها بین ۲۶ تا ۱۳۰ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده خودشفقتی بیشتر است. نتایج تحلیل عامل تأییدی همبستگی درونی این شش مؤلفه را تأیید کرد. این ابزار از اعتبار همزمان، همگرا و تمیزی خوبی برخوردار است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ آن

1. Markstrom

را ۰/۹۲ گزارش کرده است (نف، ۲۰۰۳). همچنین نف (۲۰۰۳) در کشورهای تایلند، تایوان و آمریکا ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۹۵ و ۰/۸۶ به دست آورده است. ضریب آلفای کرونباخ در خرده مقیاس مهربانی با خود ۰/۷۹، قضاوت در مورد خود ۰/۷۸، مشترکات انسانی ۰/۷۶، انزوا ۰/۷۷، بهوشیاری ۰/۷۹ و فزون همانندسازی ۰/۸۰ بود. ضریب همبستگی این مقیاس و مقیاس حرمت خود روزنبرگ در ایران ۰/۸۵ به دست آمده است که روایی سازه مطلوبی را نشان می دهد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی وجود شش عامل را تأیید کرده است که در مجموع ۶۸/۲۴ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین می کنند که نشان دهنده روایی سازه مطلوب این مقیاس است (محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس مهربانی با خود ۰/۸۴، قضاوت در مورد خود ۰/۸۸، مشترکات انسانی ۰/۸۶، انزوا ۰/۸۷، بهوشیاری ۰/۸۹ و فزون همانندسازی ۰/۷۹ محاسبه شده است.

۳. پرسشنامه مسئولیت پذیری روان شناختی: پرسشنامه روان شناختی کالیفرنیا ۴۲ سؤال دارد که هریسون^۱ (۱۹۸۷) با هدف سنجش میزان مسئولیت پذیری افراد بهنجار ۱۲ سال به بالا آن را طراحی کرده است. براساس طیف لیکرت موافقم تا مخالفم درجه بندی شده است که نمره بالا مسئولیت پذیری بالاتر را نشان می دهد. روایی محتوایی و سازه را سازنده این پرسشنامه تأیید کرده است و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمده است (هریسون، ۱۹۸۷). نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان می دهد که گویه های پرسشنامه ۴۰/۱ درصد از کل واریانس را تبیین می کنند و همبستگی عاملها با نمره کل پرسشنامه روایی سازه پرسشنامه را تأیید می کنند (احمدی آخورمه و همکاران، ۱۳۹۲). در مطالعه دودمان (۱۳۹۷) ضریب پایایی آن روی دانش آموزان دبیرستان ۰/۷۶ به دست آمده و در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ پایایی آن ۰/۸۲ به دست آمده است.

یافته ها

داده های مربوط به ۳۷۰ شرکت کننده تحلیل شد که میانگین سنی آنان ۱۷ سال و ۱ ماه با دامنه ۱۵ تا ۱۸ سال و انحراف معیار ۱/۲ بود. ۳۹/۱۸ درصد (۱۴۵ نفر) در پایه تحصیلی دهم، ۳۶/۴۸ درصد (۱۳۵ نفر) در پایه تحصیلی یازدهم و ۲۴/۳۲ درصد (۹۰ نفر) در پایه تحصیلی دوازدهم مشغول به تحصیل بودند. به لحاظ طبقات اقتصادی - اجتماعی ۵۷/۰۲ درصد (۲۱۱ نفر) در طبقه بالا، ۳۵/۶۷ درصد (۱۳۲ نفر) در طبقه متوسط و ۷/۲۹ درصد (۲۷ نفر) در طبقه پایین بودند.

1. Harrison

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی پیرسون

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱ توانمندی ایگو	۲۴۰/۰۸	۱۹/۲۶	۱		
۲ شفقت به خود	۳۶/۹۴	۳/۸۲	۰/۳۳**	۱	
۳ مسئولیت پذیری	۸۵/۵۹	۹/۶۸	۰/۳۴**	۰/۳۰**	۱

طبق نتایج جدول شماره ۲، توانمندی ایگو و شفقت به خود با مسئولیت پذیری همبستگی مثبت و معنادار دارند.

جدول ۲. نتایج آزمونهای نرمال بودن داده ها و همخطی متغیرهای پیش بین

متغیرها	کولموگروف اسمیرنف	ضریب تحمل	عامل تورم واریانس
	Z		VIF
۱ توانمندی ایگو	۰/۶۹	۰/۸۹۰	۱/۱۱
۲ شفقت به خود	۰/۸۴	۰/۶۸۳	۱/۳۳
۳ مسئولیت پذیری	۰/۴۶	-	-

نتایج جدول شماره ۲ نشان می دهد که مفروضه های نرمال بودن داده ها و آماره های همخطی بودن متغیرهای پیش بین برقرار است. به منظور تعیین سهم متغیرهای توانمندی ایگو و شفقت به خود در پیش بینی مسئولیت پذیری از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. در مدل پیشنهادی چنین فرض شد که توانمندی ایگو هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و با میانجیگری شفقت به خود، مسئولیت پذیری را پیش بینی می کنند.

جدول ۳. شاخصهای برازش مدل

شاخصها	نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی (χ^2/df)	نیکویی برازش (GFI)	نیکویی تعدیل شده (AGFI)	برازش تطبیقی (CFI)	برازش استاندارد (NFI)	برازش نرم نشده (NNFI)	ریشه میانگین مجذورات باقیمانده (RMSEA)
دامنه مورد پذیرش	< ۵	< ۰/۹	< ۰/۸	< ۰/۹	< ۰/۹	< ۰/۹	< ۰/۰۸
مقادیر محاسبه شده	۲/۳۹	< ۰/۹۳	< ۰/۸۶	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۰۵۵

نسبت مجذور خی به درجه آزادی فاقد معیاری ثابت برای مدل قابل قبول است. شاخص نیکویی برازش، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش استاندارد و نرم نشده یا غیراستاندارد برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند مساوی یا بزرگ‌تر از $0/9$ است. شاخص نکویی برازش تعدیل شده نیز برای مدل‌های مناسب در محدوده بالای $0/8$ قرار دارد. همچنین مقدار ریشه میانگین مجذورات باقیمانده برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند، مساوی یا کمتر از $0/5$ است و مقادیر بالای $0/5$ تا $0/8$ نیز خطای معقول و قابل قبول را نشان می‌دهند.

جدول ۴. ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها در مدل ساختاری

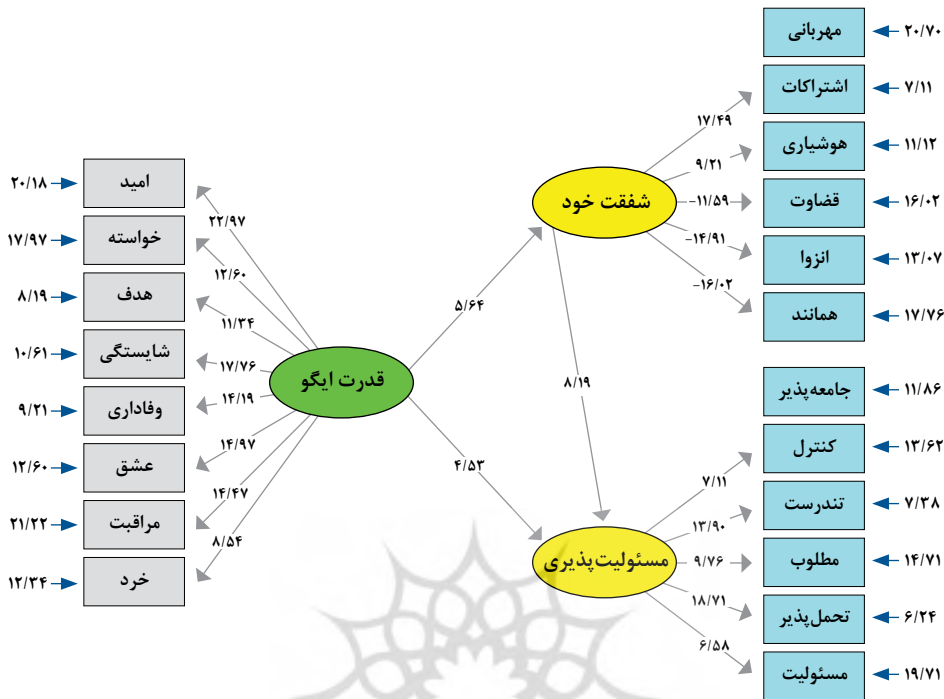
متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	T	سطح معناداری
اثر نیرومندی ایگو بر شفقت به خود	$0/27$	$0/09$	$0/36$	$5/64$	$0/001$
اثر نیرومندی ایگو بر مسئولیت پذیری	$0/23$	-	$0/23$	$4/53$	$0/001$
اثر شفقت به خود بر مسئولیت پذیری	$0/36$	-	$0/36$	$8/19$	$0/001$

نتایج جدول شماره ۴ ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم بین توانمندی ایگو و شفقت به خود را روی مسئولیت پذیری در مدل ساختاری نشان می‌دهد. به منظور بررسی نقش میانجی شفقت به خود در رابطه بین توانمندی ایگو و مسئولیت پذیری از آزمون سوبل استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون سوبل برای بررسی نقش میانجی شفقت خود

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	ضریب	خطای استاندارد	Z	P
شفقت به خود	نیرومندی ایگو	$a = 1/64$	$S_a = 0/24$	$3/89$	$0/001$
مسئولیت پذیری	شفقت به خود و نیرومندی ایگو	$b = 0/11$	$S_b = 0/02$		

بر اساس نتایج جدول شماره ۵، مقدار Z به دست آمده از آزمون سوبل ($3/89$) بیشتر از $1/96$ است، و در سطح $0/01$ معنادار است. بر این اساس می‌توان گفت نقش میانجی شفقت خود در رابطه بین نیرومندی ایگو و مسئولیت پذیری معنادار است. به عبارت دیگر قدرت ایگو از طریق شفقت به خود بر مسئولیت پذیری اثر غیرمستقیم و معناداری دارد.



Chi-Square=446.36, df=186, P-value=0.00000, RMSEA=0.055

شکل ۱. مدل نهایی پژوهش برای رابطه قدرت ایگو و مسئولیت پذیری با میانجیگری شفقت به خود

■ بحث و نتیجه گیری ■

نتایج نشان داد که توانمندی ایگو می تواند مسئولیت پذیری دانش آموزان دوره دوم متوسطه را به طور معناداری پیش بینی کند. این نتیجه با نتایج پژوهشهای لی و همکاران (۲۰۲۱)، آیکن و ساندوز^۱ (۲۰۰۵) و جفلر و آرمسترانگ^۲ (۲۰۱۲) همسو بود. نتایج این پژوهشها نشان داد که ایگو و توانمندی ایگو می تواند در ویژگی مسئولیت پذیری افراد نقش داشته باشد. شکل گیری مسئولیت پذیری در نوجوانان بیشتر تحت تأثیر تحول روانی نوجوانان در ابعاد فردی، اجتماعی و شناختی است که در راستای تغییر و تحولات روانی در ادراکات، نگرشها و تجربه هیجانها شکل می گیرد. عنصر اساسی که در کیفیت این تغییر و تحولات روانی نقش دارد، بعد ایگوی شخصیت است که نقش متعادل سازی سازمان روانی فرد را به عهده دارد. زمانی که بعد ایگوی شخصیت فرد توانمندی بیشتری دارد به شیوه ای کارآمدتر و قوی تر می تواند سازمان روانی فرد را در ابعاد شناختی، عاطفی و اجتماعی متعادل سازی کند و زمینه را برای ادراکات،

1. Aiken & Sandoz

2. Armstrong

نگرشها و تجربه عواطف مثبت و کارآمدتر و کسب تجربه مطلوب‌تر در مسائل اجتماعی فراهم سازد (لی و همکاران، ۲۰۲۱). بر این اساس توانمندی ایگو مقوله‌ای است که با متعادل‌سازی بهتر و مؤثر سازمان روانی در نوجوان، شرایط یادگیری مسائل اجتماعی مانند ویژگی مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌سازد.

آیکن و ساندروز (۲۰۰۵) اعتقاد دارند که از تأثیرات قدرت روان‌شناختی ایگو می‌توان برای حل تعارضات بهره‌گیری و قدرت ایگو را به شیوه‌ای مطلوب در راستای کاهش اضطراب هدایت کرد و این قدرت روان‌شناختی، ادراکات، احساسات، شناخت و توانایی فرد را برای مسئولیت‌پذیری و مبارزه با چالش‌ها مهیا می‌سازد. به این دلیل، به احتمال زیاد کسانی که قدرت ایگو بالاتر داشته باشند، در رویارویی با مسائل عزت‌نفسی بالاتر دارند. افرادی که از قدرت ایگو بالاتری برخوردارند، تمایل دارند که از توانایی خود برای رویارویی با چالش‌ها اطمینان داشته باشند و در ارائه راه حل برای مشکلات زندگی از خود مهارت بالاتری نشان دهند. از این رو، افرادی که از قدرت ایگوی بالایی برخوردارند در برابر مشکلات زندگی بسیار مقاوم‌اند. این افراد از رویارویی با چالش‌ها ترسی ندارند و به تبع آن مسئولیت‌های بیشتری را می‌پذیرند و از پس مسئولیت‌های محول‌شده به خوبی بر می‌آیند. افراد با قدرت ایگوی بالا به جای تسلیم شدن در برابر موانع، رویدادها را به‌عنوان چالش‌های پیش‌رو تصور می‌کنند که باید بر آنها غلبه کنند. کسانی که قدرت ایگوی بالایی دارند، می‌توانند خود را کنترل کنند و با احساس خوش‌بینی رو به جلو حرکت کنند و وظایف و مسئولیت خود را به انجام برسانند. براساس نظر جفلنر و آرمسترانگ (۲۰۱۲)، قدرت ایگوی بالا سبب گسترش احساسات مثبت در فرد می‌شود. تجربه احساسات مثبت می‌تواند منجر به ایجاد منابع شخصی پایدار در طول زمان شود که به نوبه خود امکان تجربه احساسات مثبت را فراهم می‌آورد. افراد با احساسات مثبت، روابط اجتماعی بهتری دارند و از احساس کارآمدی بالاتری برخوردارند. آنها می‌توانند هویت و مسئولیت خود را در برابر چالش‌ها حفظ کنند. بنابراین قدرت ایگو به توانایی فرد در حفظ هویت و احساس کارآمدی کمک می‌کند و این موضوع در مسئولیت‌پذیری افراد نقشی مؤثر دارد.

همچنین براساس نتایج پژوهش میان شفقت به خود و مسئولیت‌پذیری رابطه مستقیم وجود دارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های کیانگ^۱ (۲۰۱۳)، ژانگ و چن^۲ (۲۰۱۷)، آمبریج^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، بدوریا و مارانیون^۴ (۲۰۱۹) و نف و گرمر^۵ (۲۰۱۳) همسوست. افرادی که شفقت به خود بالایی دارند، تمایل بیشتری برای پذیرش نقش و مسئولیت خود در حوادث منفی دارند، حوادث منفی را کمتر نشخوار می‌کنند و در رویارویی با اشتباهات خود کمتر هیجان منفی را تجربه می‌کنند. آنان همچنین از سلامت روانی بیشتری برخوردارند تا افرادی که خودشفقت‌ورزی کمتری دارند. افراد خودشفقت‌ورز نسبت به رفتارها، واکنش‌ها و انتخاب‌های خود احساس مسئولیت‌پذیری بالاتری دارند (کیانگ، ۲۰۱۳). ژانگ و چن (۲۰۱۷) اعتقاد دارند که شفقت به خود، سازگاری مثبت و سطح مسئولیت‌پذیری افراد

1. Kyeong
2. Zhang & Chen
3. Ambridge
4. Bedoria & Marañon
5. Germer

را ارتقا می‌دهد. همان‌طوری‌که ویژگی مسئولیت‌پذیری در شرایط متعارض و پراسترس به‌طور متقابل روی سازگاری روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد، ممکن است روی احساسات و افکار افراد هم تأثیر بگذارد. در شرایط متعارض ویژگی شفقت به خود روی میزان مسئولیت‌پذیری افراد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند مسئولیت‌پذیری و سازگاری روانی - اجتماعی افراد را تعدیل کند. افزون بر این طبق نتایج پژوهش آمبرج و همکاران (۲۰۲۰) شفقت به خود به‌طور معکوس روی شرم، اضطراب و افسردگی و به‌طور مستقیم روی مسئولیت‌پذیری افراد تأثیر می‌گذارد. مسئولیت‌پذیری یعنی بالا رفتن مقاومت افراد در برابر شرایطی که باعث می‌شود فرد به‌جای پیروی کردن از فشارهای بیرونی، از الزام درونی که احساس مسئولیت نامیده می‌شود، تبعیت کند (باقری، ۱۳۹۴). شفقت به خود دارای ویژگیهای مهربانی با خود، خویشتن‌دوستی و خود‌پذیری و عدم قضاوت نسبت به خود است که می‌تواند بر مسئولیت‌پذیری افراد تأثیر بگذارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که مشکلات هیجانی به این دلیل در افراد ایجاد می‌شوند که واقعیت را نمی‌پذیرند، بنابراین بیشتر در برابر واقعیتها مقاومت می‌کنند، مشکلات و نگرانیهای هیجانی بیشتری را تجربه می‌کنند و انبوهی از احساسات خشم، ناامیدی و استرس را در درون خود ایجاد می‌کنند. خودشفقت‌ورزی که بر پذیرش خود تأکید می‌کند، توجه به آگاهی افراد را افزایش می‌دهد و کمک می‌کند که در برابر واقعیت مقاومت نکنند و واقعیت را در چارچوب آگاهی غیرقضاوت‌گرانه قرار دهند و مسئولیت رفتارهای خود را بپذیرند (نف و گرم، ۲۰۱۳). در تبیین دیگری، شفقت به خود مستلزم داشتن فکر و آگاهی متعادل در رفتار و پاسخ به مشکلات است، به شیوه‌ای که احساسات و هیجانات برون‌ریزی شوند، نه اینکه درگیر نشخوار فکری شوند. در افراد برخوردار از خودشفقت‌ورزی بالا، نیروهای خارج از کنترل کمتر به آنان آسیب می‌زنند و درکی بهتر از خود و پذیرش بیشتری از خود دارند (نف و داهم^۱، ۲۰۱۵). شایان ذکر است که شفقت به خود بر خودکارآمدی دانش‌آموزان دبیرستانی تأثیر می‌گذارد، بنابراین عملکرد تحصیلی، رفتارهای اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان را نیز افزایش می‌دهد (بدوریا و مارانیون، ۲۰۱۹). فرد برخوردار از شفقت به خود بالاتر، بیشتر به خودش اعتماد دارد و با خودش مهربان‌تر است. همین ویژگیها می‌تواند مسئولیت‌پذیری افراد را در برابر تصمیمها و رفتارهای خودش افزایش دهد. همچنین شفقت به خود در رابطه بین قدرت ایگو و مسئولیت‌پذیری نقش میانجی معنادار دارد. این یافته با نتایج پژوهشهای چوویل^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۸)، اوریلی و همکاران (۲۰۱۸) و نف و گرم (۲۰۱۳) همسوست.

خودشفقتی می‌تواند به خودبهبودی و سبکهای مقابله‌ای فرد کمک کند. از آن جایی که شفقت به خود که دارای ویژگیهایی مانند مهربانی با خود، خویشتن‌دوستی، نوع‌دوستی و قضاوت عادلانه درباره خود است، می‌تواند روی بعد خود (ایگو) تأثیر بگذارد و با توجه کارآمد و مثبت بودن شفقت به خود، ایگو به سمت بهبودی تحول پیدا می‌کند و توانمندتر می‌شود و در کاهش تعارضات درونی و اضطرابها موفق‌تر عمل می‌کند. توانمندسازی ایگو به تعامل بیشتر فرد با اجتماع کمک می‌کند و زمینه بروز رفتارهای اجتماعی

1. Neff & Dahm

2. Chwyl

سازش یافته‌تر، مسئولانه‌تر و متعادل‌تر را در فرد به‌وجود می‌آورد (چوویل و همکاران، ۲۰۲۱). شفقت به خود نشان‌دهنده یک خود تحول یافته اجتماعی است و موجب می‌شود که نوجوانان دارای خودشفقتی بالا دیدگاهی کارآمدتر نسبت به خود داشته باشند. این دیدگاه به توانمندسازی فرد کمک می‌کند و در نهایت رفتارهایی سازش‌یافته و مسئولانه‌تر در جامعه دارند. یک ایگوی ضعیف معمولاً با اختلالات شخصیتی مانند شخصیت ضداجتماعی، وابسته و اجتنابی و تکانش‌گری ارتباط دارد. تکانش‌گری می‌تواند حکایت از نوعی خودکنترلی ضعیف باشد که نشان‌دهنده یک ایگوی ضعیف است. ایگوی ضعیف با اضطراب همراه است که می‌تواند زمینه‌ساز از دست رفتن کنترل روی افکار هوشیارانه و فقدان تأثیرگذاری فرد بر محیط باشد. ایگوی ضعیف و خودکنترلی ناکافی در تعامل فرد با اجتماع اخلاص ایجاد می‌کند و او را به سمت رفتارهای غیرمسئولانه سوق می‌دهد. قدرت ایگو در واقع موضوع اجتناب از دو حد نهایت کنترل است: عدم کنترل موجب اظهار سریع سائقهای درونی می‌شود و کنترل افراطی موجب سرکوبی و جلوگیری از انرژیهای غریزی می‌شود. عدم کنترل و کنترل افراطی هر دو نشانه ضعف ایگو هستند. همچنین ایگو قدرتمند در افراد، آنها را از پذیرش تقویت‌کننده‌ها و تأثیرات محیطی دور می‌کند (دورماز و اونسال^۱، ۲۰۱۹). نف و گرم (۲۰۱۳) اعتقاد دارند که افراد با شفقت خود بالا اطمینان بیشتری به خود دارند، کمتر دچار آشفتگی هیجانی می‌شوند، در روابط خود به‌سادگی می‌توانند تعارضها را برطرف کنند و احساس امنیت بالاتری را تجربه می‌کنند. به این شکل، افرادی که قدرت ایگو بالاتری دارند، شفقت به خود آنها نیز بالاتر است و بعد عاطفی و احساس مسئولیت‌پذیری بیشتر نسبت به رفتارهای خود دارند. این عواطف مثبت با ایجاد انگیزش به‌منزله عامل تقویت‌کننده رفتار اجتماعی و مسئولیت‌پذیری معرفی می‌شود. همچنین شفقت به خود بالا به رشد انگیزش افراد، توجه به نیازها، خواسته‌ها، علایق اجتماعی و رغبت‌های آنها کمک می‌کند. در واقع ویژگیهای خودتکایی، خودرهبری، عزت‌نفس و خودپنداره مثبت، در تمایل افراد به پذیرفتن مسئولیتهای خود و ایفای نقشهای مسئولانه مؤثرند.

از آنجایی که قدرت ایگو به توانایی فرد برای برخورد مؤثر با خواستههای رقابت‌آمیز و موقعیتهای توان‌فرسا و برای عملکرد مؤثر به‌رغم خواستهها و توقعات نیروهای متعارض به کار می‌رود، بنابراین وجود یک ایگو قدرتمند باعث می‌شود که افراد کمتر نشانه‌های آسیب روانی از خود نشان دهند و در برابر تنش ناشی از شرایط فشارزای زندگی تحمل و ظرفیت کافی داشته باشند. (جمیل و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین نف و گرم (۲۰۱۳) اعتقاد دارند که شفقت به خود به‌طور مثبت با توافق‌پذیری، برون‌گرایی و مسئولیت‌پذیری همراه است. مسئولیت‌پذیر بودن به افراد کمک می‌کند که توجه بیشتری به نیازهای خود داشته باشند و برای پاسخگویی به شرایط دشوار به شیوه‌ای مسئولانه و غیرواکنشی عمل کنند. بر این اساس گسترش بیشتر شفقت خود منجر به شکل‌گیری شخصیت سالم و سازش‌یافته می‌شود. ویژگی شخصیتی شفقت به خود فرد را تشویق می‌کند که با بردباری و ملایمت با خودش رفتار کند، به شیوه‌ای که موجب بی‌مسئولیتی فرد نشود (نف گرم، ۲۰۱۳). به‌طور کلی بالا بودن قدرت ایگو

در نهایت منجر به ادراک، تفکر، تصمیم‌گیری، مدیریت عاطفی و یافتن راهی برای ارضای انگیزه‌های متعارض و حفظ انسجام و همچنین ایجاد تعادل میان درون و بیرون فرد می‌شود و در نتیجه افراد شفقت به خود بالاتری می‌یابند (فیلائی- جونز و همکاران، ۲۰۱۵) و از آن جایی که شفقت خود بامسئولیت‌پذیری فرد ارتباط دارد، بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که شفقت خود می‌تواند در رابطه بین قدرت ایگو و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نقش واسطه‌ای داشته باشد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه در تهران انجام شده است، ممکن است عواملی مانند سبک زندگی خانواده، سطح تحصیلات والدین و ترتیب تولد شرکت‌کنندگان بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارند. این متغیرها می‌تواند محدودیتهایی در زمینه استنباط نتایج، تبیین و تعمیم نتایج ایجاد کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای بعدی نقش احتمالی این متغیرها کنترل یا مطالعه شود. همچنین به منظور تقویت ویژگی مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان نوجوان شایسته است آموزش و پرورش و جامعه روان‌شناسان و مشاوران مدارس به نقش توانمندی ایگو در ویژگیهای شخصیتی از جمله ویژگی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان توجه کنند و با تقویت و آموزش شفقت به خود نقش ایگو را تعدیل کنند.

▲ سپاسگزاری ▲

گروه پژوهش بر خود لازم می‌داند از همکاری شایسته مدارس دوره دوم متوسطه آموزش و پرورش منطقه یک تهران و کلیه دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش، قدردانی کند.

▲ تعداد منافع ▲

هیچ گونه تعارضی در منافع و فرایند ارزیابی مقاله از طرف نویسندگان گزارش نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

احمدی آخوَرمه، محمد؛ سهامی، سوسن؛ رفاهی، ژاله و شمشیری، بابک. (۱۳۹۲). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مسئولیت پذیری چندبعدی بر مبنای متون اسلامی. *فصلنامه روش ها و مدل های روان شناختی*، ۳ (۱۳)، ۹۹-۱۱۱.

Dor: 20.1001.1.22285516.1392.4.13.7.6

الطافی شیرمرد، رضا. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه قدرت من و ویژگی های شخصیتی افراد وابسته به مصرف مواد و غیر وابسته. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه شاهد.

باقری، خسرو. (۱۳۹۴). *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.

پرویز، کورش؛ آقامحمدیان شهرباف، حمیدرضا؛ قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی و دهقانی، محمود. (۱۳۹۵). رابطه توانمندی ایگو و فراشناخت در دانشجویان دختر و پسر. *مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹ (۲)، ۱۱۸-۱۲۶.

جمیل، لیلی؛ عاطف وحید، محمدکاظم؛ دهقانی، محمود و حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۴). سلامت روان از دیدگاه روان پویشی: رابطه توانمندی ایگو، سبک های دفاعی و روابط ابژه با سلامت. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۲۱ (۲)، ۱۴۴-۱۵۴.

خسروی، صدالله؛ صادقی، مجید و یابنده، محمدرضا. (۱۳۹۲). کفایت روان سنجی مقیاس شفقت خود. *فصلنامه روش ها و مدل های روان شناختی*، ۳ (۱۳)، ۴۷-۵۹.

Dor: 20.1001.1.22285516.1392.4.13.3.2

دودمان، پروانه. (۱۳۹۷). رابطه شیوه های فرزندپروری والدین بر مسئولیت پذیری دانش آموزان دبیرستان های شهرستان مهر، سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۲ (۴)، ۵۱-۶۰.

Doi: 10.29252/qums.12.4.51

رستمی، مهدی؛ قزلسفلو، مهدی؛ محمدلو، هادی و قربانیان، الهام. (۱۳۹۴). پیش بینی سلامت روانی بر مبنای شفقت خود، هویت و خودشناسی دانشجویان. *فصلنامه آموزش مشاوره و روان درمانی*، ۴ (۱۵)، ۳۰-۴۴.

عبدالملکی، لیلا؛ امیری، حسن؛ حسینی، سعیده سادات؛ امیرپور، برزو و افشاری نیا، کریم. (۱۳۹۸). نقش خودشفقتی و نیرومندی ایگو در اختلال استرس تروماتیک ثانویه همسران جانبازان جنگ. *علوم مراقبتی نظامی*، ۶ (۴)، ۲۶۷-۲۷۵.

کریمی، یوسف. (۱۳۸۷). *روان شناسی شخصیت*. تهران: انتشارات پیام نور.

کوچکی راوندی، محمد؛ منیرپور، نادر و ارج، عباس. (۱۳۹۴). نقش سبک های دلبستگی، کیفیت روابط موضوعی و قدرت ایگو در پیش بینی سندروم روده تحریک پذیر. *دو ماهنامه علوم پزشکی فیض*، ۱۹ (۳)، ۲۴۱-۲۳۱.

محمدعلی، سمیرا؛ معنوی پور، داود و صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۹). بررسی ویژگی های روان سنجی (روایی و پایایی) مقیاس شفقت خود: یافتن شواهد تجربی برای استفاده از نمره کل و تعریف مفهومی شفقت خود. *فصلنامه روان شناسی کاربردی*، ۱۴ (۲)، ۲۹-۵۰.

Doi: 10.52547/apsy.14.2.29

Aiken, A. N., & Sandoz, C. J. (2005). Changes in levels of ego strength and spirituality of recovering alcoholics in AA. *American Journal of Pastoral Counseling*, 8(1), 49-52.
https://doi.org/10.1300/J062v08n01_05

Ambridge, J., Fleming, P., & Henshall, L. (2020). The influence of self-compassion on perceived responsibility and shame following acquired brain injury. *Brian Injury*, 34(7), 945- 957.
<https://doi.org/10.1080/02699052.2020.1763466>

Bedoria, C. J. S., & Marañon, N. S. (2019). Self-compassion in relation to career and talent development self- efficacy of high school students when mediated by hope. *Philippine Social Science Journal*, 2(2), 53-69. DOI:10.52006/main.v2i2.35

- Bluth , K., Roberson , P. N., Gaylord , S. A., Fautot , K. R., Grewen , K. M., Arzon , S., & Girdler , S. S. (2016). Does self-compassion protect adolescents from stress? *Journal of Child and Family Studies*, 25(4), 1098-1109. <https://doi.org/10.1007/s10826-015-0307-3>
- Cheng, W. Y., Cheung, R. Y. M., & Chung, K. K. H. (2024). The role of family conflict and cohesion in adolescents' social responsibility: Emotion regulation ability as a mediator. *PLoS ONE*, 19(9), Article e0311265. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0311265>
- Chwyl, C., Chen, P., & Zaki, J. (2021). Beliefs about self-compassion: Implications for coping and self-improvement. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 47(9), 1327-1342. doi: 10.1177/0146167220965303
- Cyranka, K., Rutkowski, K., Mielimaka, M., Sobański, J. A., Klasa, K., Müldner-Nieckowski, Ł., ... Rodziński P. (2018). Changes in ego strength in patients with neurotic and personality disorders treated with a short-term comprehensive psychodynamic psychotherapy. *Psychiatria Polska*, 52(1), 115-127. doi: 10.12740/PP/OnlineFirst/40020
- Durmaz, Y. Ç., & Ünsal, G. (2019). Study of validity, reliability in accordance with Turkey conditions in ego functions assessment scale. *Perspectives in Psychiatric Care*, 55(3), 509-516. doi: 10.1111/ppc.12357
- Finlay-Jones, A. L., Rees , S. C., & Kane, T. R. (2015). Self-compassion, emotion regulation and stress among Australian psychologists: Testing an emotion regulation model of self-compassion using structural equation modeling. *PLoS ONE*, 10(7), e0133481. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0133481>
- Gfeller, B. M., & Armstrong, H. D. (2012). Ego development, ego strengths, and ethnic identity among first nation adolescents. *Journal of Research on Adolescents*, 22(2), 225-234. <https://doi.org/10.1111/j.1532-7795.2011.00769.x>
- Gfeller, B. M., & Cordoba, A. I. (2017). Identity problems, ego strengths, perceived stress, and adjustment during contextual changes at university. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 17(1), 25-39. <https://doi.org/10.1080/15283488.2016.1268961>
- Gilbert, P. (2014). The origins and nature of compassion focused therapy. *British Journal of Clinical Psychology*, 53(1), 6-41. doi: 10.1111/bjc.12043
- Harrison, F. C. (1987). Dependency—responsibility—morality: A meta psychological synthesis. *American Journal of Social Psychiatry*, 7(4), 245-252.
- Kyeong, L. W. (2013). Self-compassion as a moderator of the relationship between academic burn-out and psychological health in Korean cyber university students. *Personality and Individual Differences*, 54(8), 899-902. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2013.01.001>
- Lee, J. Y., Lee, Y. A., & Yoo, M. S. (2021). Development of the child's ego strength scale: An observation-based assessment of the board game behaviors in play therapy in Korea. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 15(1), 20. doi: 10.1186/s13034-021-00369-3
- Markstrom, C. A., Sabino, V. M., Turner, B. J., & Berman, R. C. (1997). The psychosocial inventory of ego strengths: Development and validation of a new Eriksonian measure. *Journal of Youth Adolescent*, 26(6), 705-732. <https://doi.org/10.1023/A:1022348709532>
- Meléndez, J. C., Satorres, E., & Delhom, I. (2020). Personality and coping. What traits predict adaptive strategies? *Anales de Psicología*, 36(1), 39-45.
- Mendonça, M., & Fontaine, A. M. (2014). The role maturity of parents of emerging adult children: Validity of parental maturity measure. *Journal of Adult Development*, 21(2), 116-128. DOI:10.1007/s10804-014-9185-y
- Neff, K. D. (2003). Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward oneself. *Self and Identity*, 2(2), 85-101. <https://doi.org/10.1080/15298860309032>

- Neff, K. D. (2009). The role of self-compassion in development: A healthier way to relate top one sel. *Human Development*, 52(4), 211-214. doi: 10.1159/000215071
- Neff, K. D., & Dahm, K. A. (2015). Self-compassion: What it is, what it does, and how it relates to mindfulness. In B. D. Ostafin, M. D. Robinson, & B. P. Meier (Eds.), *Handbook of mindfulness and self-regulation* (pp. 121-137). Springer Science + Business Media.
https://doi.org/10.1007/978-1-4939-2263-5_10
- Neff, K. D., & Germer, C. K. (2013). A pilot study and randomized controlled trial of the mindful self-compassion program. *Journal of Clinical Psychology*, 69(1), 28-44. doi: 10.1002/jclp.21923
- Neff, K. D., Rude, S. S., & Kirkpatrick, K. L. (2007). An examination of self-compassion in relation to positive psychological functioning and personality traits. *Journal of Research in Personality*, 41(4), 908-916. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2006.08.002>
- Nelson, D., & Bianco, C. (2013). Increasing student responsibility and active learning in an undergraduate capstone finance course. *American Journal of Business Education*, 6(2), 267-278.
- Oreilly, M., Adams, S., Whiteman, N., Hughes, J., Reilly, P., & Dogra, N. (2018). Whose responsibility is adolescent's mental health in the UK? Perspectives of key stakeholders. *School Mental Health*, 10(4), 450-461. doi: 10.1007/s12310-018-9263-6
- Segerstrom, S. C., & Smith, G. T. (2019). Personality and coping: Individual differences in responses to emotion. *Annual Review of Psychology*, 70, 651-671.
<https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010418-102917>
- Shaffer, D. R., & Kipp, K. (2011). *Developmental psychology: Childhood & adolescence*. Wadsworth Publishing.
- Teng, X., Teng, Y-M., Wu, K-S., & Chang, B-G. (2021). Corporate social responsibility in public health during the COVID-19 pandemic: Quarantine Hotel in China. *Frontiers in Public Health*, 9, 620930. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2021.620930>
- Wood, D., Gosling, S. D., & Potter, J. (2007). Normality evaluations and their relation to personality traits and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93(5), 861-879.
<https://doi.org/10.1037/0022-3514.93.5.861>
- Zhang, J. W., & Chen, S. (2017). Self-compassion promotes positive adjustment for people who attribute responsibility of a romantic breakup to themselves. *Self and Identity*, 16(6), 732-759.
<https://doi.org/10.1080/15298868.2017.1305985>

Improving the Sense of Responsibility through an Increase in Ego Strength and Self-compassion among High School Students

M. Behmanesh¹ © A. Ja'fari, Ph.D.^{2*}

Abstract

Being a responsible is a personality trait that develops within a cohesive framework affected by cognitive, affective, and behavioral factors. Ego strength and self-compassion are assumed to be the most significant of these factors, and as a result, it is hypothesized that increasing these two would result in improvement in the person's sense of responsibility. To show this relationship, a cluster sample of 370 high school students in Tehran was asked to fill three questionnaires on these three constructs at their convenience. Data analysis revealed a significantly positive correlation between the three constructs. Furthermore, the relationship between ego strength and sense of responsibility is mediated by self-compassion. Hence, students' sense of responsibility improves if self-compassion is increased through psycho-educational interventions.

Keywords: Ego strength, sense of responsibility, self-compassion, students

Date Received: Oct. 22, 2021

Date Accepted: May 1, 2022

This paper is derived from the first author's Masters' thesis.

1. MA in General Psychology, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Law, University of Kashan, Kashan, Iran. (Corresponding Author).
E-mail: a.jafari@kashanu.ac.ir